

زحل

المعجم فی معاییر اشعار العجم، تصحیح محمدبن عبدالوهاب 306-303 قزوینی، چاپ مدرس رضوی، تهران ۱۳۶۰ ش؛ علی جمیل سلّم و حسن محمد نورالدین، الدلیل الی البلاغۃ و عروض الخلیل، بیروت ۱۴۱۰/۱۹۹۰؛ عیسی عاکوب، موسیقا الشعر العربی، بیروت ۱۴۲۱/۲۰۰۰؛ غازی بیوت، بحور الشعر العربی: عروض الخلیل، بیروت ۱۹۸۹؛ محمد فشارکی، «اختلافات عروض فارسی و عربی»، در جشن نامه استاد مدرس رضوی: مجموعه مقالات علمی و ادبی، زیر نظر ضیاءالدین سجادی، تهران: انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۵۶ ش؛ احمدبن قوص منوچهری، دیوان، چاپ محمد دبیرسیاقی، تهران ۱۳۵۶ ش؛ ناصر خسرو، دیوان، چاپ مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران ۱۳۵۳ ش؛ محمدبن محمد نصیرالدین طوسی، معیارالاشعار: در علم عروض و قافیة، چاپ محمد فشارکی، تهران ۱۳۸۹ ش؛ علیتی وزیری، «اصلاحات ادبی»، مهر، سال ۵، ش ۱۰ (اسفند ۱۳۱۶)؛ صالح حسن یطی، العروض و القافیة بین النظریة و التطبيق، [اسکندریه] ۱۹۹۴؛

Laurence Paul Elwell- Sutton, *The Persian metres*, Cambridge 1976.

/ وحید عیدگاه طرّبه ای /

زَحَل (یا کیوان)، دورترین کوکب متحیره، واقع در فلک هفتم در هیئت بطلمیوسی و دوره اسلامی. واژه کیوان در زبانهای پهلوی و فارسی، از ریشه بابلی کیمانو است (به بندهش، ص ۵۷-۵۸؛ فرهوشی، ذیل "Kaiwān"؛ مکنزی^۱، ص ۲۹۰؛ واردن^۲، ص ۲۷۱). زحل را مصریان، نمسیس^۳ (به معنای انتقام آسمانی) و یونانیان، جرونوس^۴ (به معنای زمان) می نامیدند (واردن، ص ۲۷۲). واژه زحل در عربی از ریشه «زحل» به معنای عقب کشیدن یا دور شدن (ابن منظور، ذیل «زَحَل») و نماد علو و بُعد بوده است (بستانی، ذیل «زَحَل»). در هیئت دوره اسلامی، به پیروی از هیئت بطلمیوسی، سیاره های عطارد، زهره، مریخ، زحل و مشتری را به سبب داشتن حرکت در جهت توالی بروج و سپس قهقرایی (در جهت خلاف توالی)، کوکب متحیره و از این میان، مشتری و زحل را علوئین (خوارزمی، ص ۲۳۵؛ قطان مروزی، ص ۸۵) و مجموعه این دو سیاره و مریخ را العلویة الثلاثة می گفته اند (ابوریحان بیرونی، ۱۳۷۳-۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۱۶). در نجوم جدید، زحل از حیث فاصله از خورشید در رتبه ششم قرار دارد (میتون^۵، ذیل "Saturn").

چهار فلک اصلی برای حرکت سیاره زحل در نظر گرفته می شد (به بطلمیوس^۶، ۱۹۹۸، ص ۴۲۳-۴۲۶؛ مسعودی مروزی، ص ۵۸) که عبارت بودند از: الف) فلک مُثَلّ آن که موازی فلک منطقه البروج است (ابوریحان بیرونی، ۱۳۶۲ ش، ص ۱۱۶)

از همین روست که «فاصله کبری» و زحاف «زَحَل»، که برابر با سه هجای کوتاه و یک هجای بلند است، در شعر عربی بسیار کم کاربرد و در شعر پارسی یکسره نارواست. شمس قیس (ص ۳۴-۳۵، ۴۶) هم آن را قلیل و دور از طبع و خارج از اعتدال می داند و بر آن است که زحل را جزو ازاحیف اشعار پارسی نباید شمرد. پرهیز عروضیان از توالی سه هجای کوتاه یا بیشتر باعث شد در مبحث زحافات، قواعد مختصر دیگری وضع کنند. آن قواعد عبارت اند از: معاقبه و مراقبه (به الول - ساتون، ص ۴۴). اشتراک اصطلاحات عروض فارسی با عروض عربی نباید این تصور را پدید آورد که این دو زبان در موسیقی شعر، قوانین و قواعد یکسانی دارند و کیفیت ایجاد وزن و رعایت نظم موسیقایی و نیز تغییرات عروضی (زحافات) در میان این دو همانند است. عروضیان قدیم به این تفاوتها اشاره کرده اند (به نصیرالدین طوسی، ص ۴۱؛ شمس قیس، ص ۸۵؛ فشارکی، ص ۴۰۶-۴۰۷).

میان عروض عربی و فارسی تفاوت بزرگی وجود دارد که بعضی از عروض نویسان ایرانی هم بدان توجه کرده اند و آن این است که در عربی، وقوع اکثر این تغییرات در مصراعها و ابیات یک قصیده مجاز شمرده می شود، یعنی شاعر می تواند ابیات قصیده خود را به یکی از وجوه و صوری بسازد که هر وزن پس از دخول زحاف می پذیرد، اما در فارسی چنین نیست. به این معنی که زحاف و علت از هر بحر، وزنی تازه به وجود می آورد و اگر شاعر بنای شعر خود را بر یکی از مزاحفات بحری بگذارد، مجاز نیست در آن شعر، مزاحف دیگری از همان بحر را به کار برد، مگر در موارد معدود، چراکه مزاحف در عربی وجه استعمال دیگری از وزن سالم است، اما در فارسی، وزنی جداگانه به شمار می رود (به خانلری، ص ۲۶۰-۲۶۱).

منابع: ابن رشیق، العمدۃ فی محاسن الشعر و آدابه و نطقه، چاپ محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت ۱۹۸۱/۱۴۰۱؛ ابن سراج شترینی، المعیار فی اوزان الاشعار، چاپ محمدرضوان دایه، بیروت ۱۳۸۸/۱۹۶۸؛ احمد سلیمان یاقوت، الاوزان الشعریة، اسکندریه ۱۹۹۵؛ عبدالرحمان بن احمد جامی، عروض جامی، در سه رساله در عروض: عروض جامی، ترانه، اصطلاحات ادبی، چاپ محمد فشارکی، تهران: انجمن آثار و منافع فرهنگی، ۱۳۸۸ ش؛ مهدی حمیدی شیرازی، عروض حمیدی، [تهران] ۱۳۴۲ ش؛ پرویز خانلری، وزن شعر فارسی، تهران ۱۳۴۵ ش؛ یحیی بن علی خطیب تبریزی، کتاب الکافی فی العروض و القوافی، چاپ حسانی حسن عبدالله، قاهره ۱۴۱۵/۱۹۹۴؛ محمودبن عمر زمخشری، التسطاس المستقیم فی علم العروض، چاپ بهیجة باقر حسنی، بغداد ۱۹۶۹؛ محمدبن قیس شمس قیس،

1. MacKenzie

2. Bartel Leendert van der Waerden

3. Nemesis

4. Chronos

5. Mitton

6. Ptolemy